

شاهنشاهی ایران جلوه حاکمیت ملت ایران است ، نقش فرمانروایی شاهنشاهی در تداوم و استقرار ، ملت و میهن برای شنایی باموجودیت تاریخی ایرانزمین باید ایرانیان ایران و ایرانی را هم خود بدرستی بشناسند و هم به جهانیان بشناسانند.

لازمه این شناخت آنست که ایرانشناسان ایرانی خود جستجو کنند و به اطلاعات دست یابند زیرا دیده شده که مؤرخین شرقشناس در تحریف تاریخ ایران سعی بسیار نموده اند.

انچه اشکار است ایرانیان اولین مردمی بودند که تمدن ایرانشهری را پایه گذارند و همزمان با برقراری نظام شاهنشاهی در جهان به یگانگی الهی رسیدند.

فلسفه فرهنگ شاهنشاهی

جامعه شناسایی در طول تاریخ جامعه بشری را به دو واحد قوم و ملت می‌شناسند

قوم : واحد اجتماعی ساده ایست که صور بسیار متنوعی داشته است.

ملت : پدیده ایست که به منزله یک واحد مشخص کاملترین و عالی ترین پدیده زیست شناسی و جامعه شناسی است که موجودیت واحد و قوانین مشخص مربوط به تاریخ و فرهنگ و جغرافیایی خود دارد. که بدون بررسی پدیده های اجتماعی و فرهنگی وابسته به خود شناخت ملت ها از یکدیگر امکان پذیر نیست.

مهمترین حرکتی که درتشکل و وحدت ملت ما موثر خواهد بود، شناخت قوانینی است که در حفظ موجودیت ملت نقش دارند و در اصطلاح غربی ناسیونالیسم نام دارد که در عصر ما ناسیونالیسم بهترین مکتب اجتماعی مبارزاتی ملی ما ایرانیان است.

برای مثال: قبول پذیرش نام فاخر و شکوهمنداریامهر از سوی محمد رضا شاه پهلوی همان بخش بسیار عظیم از رسالت تاریخی است که اشکار ایفا نمودند و یا در سال ۱۳۹۶ با توجه به سرکوب نهادهای مدنی و قانونی و احزاب و آزادی قلم و بیان ، مردم مشهد در یک خیزش اعتراضی فریاد میزنند رضاشاه روحت شاد ، همان ندای ناسیونالیسم و رسالتو پیام تاریخ و فرهنگ ایرانی است که توانسته ، تحت فرمانروایی شاهنشاهی تا به امروز از ملت و میهن محافظت کند.

زیرا نظم شکوهمند شاهنشاهی در ایران بر اساس چهار اصل جدایی ناپذیر از یکدیگر شکل گرفته است ۱- اصل خون :: یعنی شاهنشاه می بایست در همه جا و همه وقت مدافع همه جانبه ملت ایران باشد.

۲- اصل خاک شاهنشاه باید از تمامیت ارضی و تاریخی ملت ایران در هر شرایطی محافظت و دفاع کند.

۳- اصل پیوستگی خون و خاک در درازای تاریخ پیوند خون اقوام گوناگون ایرانی با خاک ایران بزرگ و تاریخی حاصل گراندی که به جامعه بشری به نام فرهنگ انسانی ملت بزرگ ایران تقدیم نموده است .

فرهنگ : کلیه دستاورد های نیکو ی مادی و معنوی ، سنت ها، ارمانها ، ویژگیهای اقوام ایرانی در پیوند با شرایط جغرافیایی و ژئوپلتیک و آب و هوایی و اقلیمی ایرانزمین میباشد ، که حاصل کوشش مشترک تاریخی اقوام گوناگون ایرانی است که نسل های پیاپی انرا پرورانده و هم خود در ان پرورانده شده اند و با بالندگی بیشتر ان را به نسل های بعد سپرده اند.

۴- اصل ایفای نقش انسانی ملت ایران در پیشگاه جامعه بشری است.

چنین است هرگاه شاهنشاه در برابر ملت خود را مسئول و موظف بر نگرهبانی از اصول چهار گانه ذکر شده بداند و عملکردش موجب سربلندی ، رفاه و اسایش ملت گردد ، حمایت مردم از پادشاه ،

توأم بارضایت پروردگار بزرگ ایران ، همان (فر) ایزدی است. که یاور و پشتیبان شاهنشاه خواهد بود در غیر اینصورت. (فر) ایزدی از او می‌گریزد و دیگر شاهنشاه نخواهد بود. و صرفاً حاکمی خواهد بود که حق فرمانروایی بر ملت ایران را ندارد. اینست تفاوت نظم شکوهمند شاهنشاهی با اشکال متفاوت فرمانروایان در جهان حتی باپادشاهان کشورهای اروپایی ، زیرا شاهنشاه در ایران مفهومی بسیار وسیع تر و گسترده تر و برتر. از شکل محض حکومت است.

بدین سان شاهنشاهی ایرانزمین نه تنها يك شکل شایسته ای برای ایرانی تباران بوده است بلکه نشان همبستگی و یگانگی همه تیره های ایرانی در ادوار تاریخ بوده است شاهنشاه ایرانزمین همواره مدافع موجودیت و استمرار زندگی ملت ایران بوده و در ایفای نقش مهانی ملت ایران رسالت بزرگی بر عهده داشته است ، چه قبل از عصر داریوش. و کورش کبیر و چه از آن هنگام که کورش بزرگ بر اساس این های دیرین ایران بنیاد شاهنشاهی بزرگی را استوار ساخت و چنین بود که در فراز و نشیب های بسیار هرگاه بیگانه بر ایران فرمانروایی کرده ملت و میهن در معرض خطرات سهمگین قرار داشته است.

بانو صفارپور ۲۲/اذر ۱۴۰۰